

بناهای دیگری پیرامون آن احداث شد و به شکل مجموعه‌ای شامل ایوانها و صحنها و رواقها درآمد. بقعه امامزاده حمزه و امامزاده طاهر در جنب حرم عبدالعظیم نیز جزو بناهای آستانه به شمار می‌رود. از نخستین بنای بقعه آگاهی دقیقی در دست نیست. کهن‌ترین مأخذ مستندی که در باب بنای حرم تاکنون دیده شده است، سر در آجری درگاه اصلی حرم است که در آن به بانی سر در مذکور یعنی مجدالملک قمی براوستانی وزیر برکیارق سلجوقی (اواخر سده ۵ ق/ ۱۱ م) اشاره شده است. اما در کتیبه‌ای که در سالهای اخیر در دیوار سمت چپ همان درگاه تعبیه کرده‌اند، یاد آور شده‌اند که در نیمه دوم قرن سوم هجری بنای بقعه توسط محمدبن زید داعی علوی (د ۲۸۷ ق/ ۹۰۰ م) تعمیر اساسی شده است. اگر این مطلب درست باشد، باید گفت که داعی زیدی اندکی پس از درگذشت عبدالعظیم، بقعه وی را که قبلاً بنا شده بود، تعمیر کرد و شاید هم بنای اصلی آن را ساخت. گذشته از این، متخصصان پس از پژوهش در اطراف دیوار آجری درگاه اصلی حرم که دارای کتیبه سابق الذکر روزگار سلجوقی است، یاد آور شده‌اند که پاره‌هایی از زیر و کنار دیوارهای آن کتیبه در اطراف درگاه ورودی، از آثار روزگار آل بویه است (کریمان، ۴۱۹/۲، حاشیه). از این رو می‌توان گمان کرد که دست کم همه این بخش از حرم ساخته آل بویه بوده و سپس در روزگار سلجوقیان به دست مجدالملک قمی نوسازی شده است. با این همه، برخی گفته‌اند که همه این سر در از آثار مجدالملک قمی و متعلق به ۴۹۵ - ۴۹۸ ق است (مصطفوی، ۱۴۶/۱). که این تاریخ نادرست به نظر می‌آید.

از روزگار سلجوقیان تا صفویان آگاهی درست و چندانی در باب تعمیر یا توسعه واحداث بناهای تازه در آستانه در دست نیست، ولی آشکار است که این بقعه در طی روزگار مورد توجه امیران و سلاطین ایران، خاصه حاکمان شیعی مذهب بوده است، چنان که حسام‌الدوله اردشیر، امیر آل بوند در طبرستان سالانه ۲۰۰ دینار به آن بقعه اختصاص داده بود (ابن اسفندیار، ۱۲۰). این بقعه در روزگار تیموریان نیز مورد توجه بوده و آثاری از آن دوره برجای است. شاهرخ تیموری خود به زیارت آنجا رفته است (عبدالرزاق سمرقندی، ۳۲۱/۲).

آستانه حضرت عبدالعظیم در روزگار صفویان که نسب خویش را به امامزاده حمزه فرزند امام موسی کاظم می‌رساندند، بسیار مورد توجه واقع شد و آثار و ابنیه‌ای در اطراف حرم بنیادگردید، و اهمیت این بقعه همواره فزونی یافت تا در روزگار قاجار که به سبب نزدیکی شهر ری به پایتخت، سخت مورد توجه واقع شد و بیش‌تر بناهای وابسته به حرم عبدالعظیم و امامزاده حمزه در همین روزگار ساخته یا تکمیل و تزئین گشت. در نیم سده اخیر نیز آستانه حضرت عبدالعظیم، مانند دیگر بقاع متبرکه و معروف ایران، رو به توسعه نهاد و با کشف آثار کهن و بسیار گرانبهایی از روزگار بویه‌یان به این سوی، بر اهمیت تاریخی آن بسی

آستانه حضرت عبدالعظیم، عنوانی که بر مرقد حضرت عبدالعظیم بن عبدالله از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) و بناهای وابسته و پیوسته به آن در شهر ری اطلاق می‌شود.

زمینه تاریخی: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) در روزگار امام هادی (ع) به قصد زیارت مرقد امام رضا (ع)، و به قولی به دستور امام هادی، خانواده خود را در مدینه گذارد (هدایتی، ۱۷) و از سامرا وارد ری شد (بهبهانی، ۱۹۶) و در محله ساریاتان و کوی موالی، محل برخورد سه محله ویژه حنفیان و شافعیان و شیعیان (کریمان، ۲۲۹/۱)، در خانه یکی از شیعیان جای گرفت (نوری، ۶۱۴/۳). عبدالعظیم در همان شهر بیمار شد و چندی بعد در گذشت. تاریخ دقیق درگذشت او دانسته نیست. اما چون امام هادی میان سالهای ۲۵۰ - ۲۵۴ ق/ ۸۶۴ - ۷۶۸ م در سامرا بود و از همانجا عبدالعظیم را به ری فرستاد، نیز چون عبدالعظیم پس از امام هادی در گذشت، تاریخ فوت او می‌بایست پس از ۲۵۴ ق/ ۸۶۸ م باشد. چندی پیش از مرگ عبدالعظیم، مردی به نام عبدالجبار بن عبدالوهاب رازی، که از گفته قزوینی رازی (ص ۵۷۷) می‌توان دریافت که مذهب تسنن داشته است (کریمان، ۳۸۸/۱)، در پی خوابی که دیده بود باغ خود را برای دفن عبدالعظیم و شیعیان دیگر وقف کرد. پس از درگذشت عبدالعظیم جنازه او را در آن باغ نزدیک درخت سیبی به خاک سپردند (بهبهانی، ۱۹۶). به همین سبب آرامگاه عبدالعظیم به مشهد الشجرة معروف گشت (مرعشی، ۵۰). حضرت عبدالعظیم مردی پرهیزکار و دانشمند و از جمله محدثان «مرضی» بود (نوری، ۶۱۴/۳). او روایاتی از امامان معاصر خود بی واسطه نقل کرده است. نیز محدثان بزرگی چون احمد بن ابی عبدالله برقی و ابوتراب رویانی از او سماع حدیث کرده‌اند. کتابهایی همچون خطب امیرالمؤمنین (حلی، ۶۴؛ نجاشی، ۱۷۳) و یوم وليلة (نوری، ۶۱۴/۳) به او نسبت داده شده است.

بخش یکم - ساختمانها

باغی که پیکر حضرت عبدالعظیم را در آن به خاک سپردند، در دروازه باطن یا باب طاق (اصطخری، ۱۷۰) یا مطاق، بیرون از باروی ری عهد اسلامی واقع بود و این وضع تا حدود یک سده پیش دوام داشت، چنانکه ملاحسین کاشفی (د ۹۰۶ ق/ ۱۵۰۰ م) به این معنی تصریح کرده است (ص ۴۰۱). نیز نقشه‌ای که کرپورتز^۱ جهانگرد انگلیسی در روزگار فتحعلی شاه از ری کشیده، مرقد عبدالعظیم را در بیرون شهر نشان داده است (کریمان، ۳۹۴/۱). اما شگفت است که بیش‌تر منابع جغرافیای کهن‌تر به این مرقد اشاره‌ای نکرده‌اند. حتی مستوفی با آنکه از مقبره امامزاده حسن و ابراهیم خواص و یکی از نوادگان امام موسی که ظاهراً همان حضرت حمزه است، در ری یاد کرده (ص ۵۴)، نامی از عبدالعظیم نبرده است.

مرقد حضرت عبدالعظیم همانند دیگر زیارتگاههای بزرگ در آغاز شامل بنای حرم یعنی هسته مرکزی و اصلی آستانه بود که به تدریج

افزوده گشت و متولیان وقت به توسعه و تکمیل و تزئین هرچه بیش‌تر آستانه و تعمیرات بنیادی بخشهای کهن و پر ارزش آن چون ضریح و صندوق همت گماشتند. ابنه آستانه حضرت عبدالعظیم به شرح زیر است:

۱. حرم: همان طور که اشاره شد حرم هسته مرکزی و اصلی آستانه است و کهن‌ترین آثار تاریخی آستانه در همین بخش مشاهده می‌شود. حرم متشکل از چند بخش است:

ساختمان اصلی حرم: در باب ساختمان حرم، پیش از روزگار سلجوقیان، آگاهی مستندی در دست نیست. براساس کهن‌ترین مأخذی که به نظر رسید، مجدالملک ابوالفضل اسعدین محمد بر اوستانی (م ۴۹۲ ق/۱۰۹۹ م) وزیر شیعی مذهب برکیارق سلجوقی، «مشهد سید عبدالعظیم حسنی به شهر ری و سی از مشاهده سادات علوی و اشراف فاطمی (ع) فرموده با آلت و عدت و شمع و اوقاف» (قزوینی رازی، ۲۲۰)، در ۱۳۴۷ ش که تغییراتی در مجموعه آستانه پدید آمد مطلب فوق به اثبات رسید، بدین گونه که در تعمیر مسجد بالاسر که در سمت غربی حرم واقع است، پس از برداشتن بخشی از اندود دیوار، رگ چین آجری آراسته‌ای هویدا شد. کارشناسان با آشکار شدن این دیوار برای دستیابی به مدارک قطعی در باب تاریخ ساختمان حرم، در پیرامون درگاه اصلی حرم نیز به کاوش پرداختند. پس از برداشتن اندود آن قسمت نیز، خشتهای پخته زیبا و سفالهای عالی با نقشهای دلپذیر و ستونهای کوچکی روی دیوار، با حاشیه‌ای در پیرامون درگاه حاوی کتیبه‌ای زیبا نمایان شد که نام مجدالملک براوستانی را آشکارا به عنوان بانی حرم یاد کرده بود (پیرنیا، ۵؛ مشاهدات نگارنده، زمستان ۱۳۶۵ ش). از سوی دیگر بر روی در آهنگی کهن حرم، تاریخ ۹۴۵ ق/۱۵۳۸ م یعنی روزگار شاه طهماسب اول نقش شده است، ولی به نظر کارشناسان، این در و کتیبه‌های کوفی آن باید مربوط به روزگار سلجوقیان باشد که سپس در روزگار صفویان بازسازی شده است (هدایتی، ۲۴). بنای کنونی حرم، غیر از بخشهای کهن‌تری که به آن اشاره شد، بیش‌تر از آثار روزگار صفویان است.

حرم، بنایی ۴ ضلعی است و مانند بیش‌تر بناهای روزگار سلجوقیان بر فراز ۴ گوشه آن، ۴ فیل گوش پدید آورده‌اند که در بالا شکل ۸ ضلعی به خود می‌گیرد. بالاتر از آن نیز به سبب طاقبندیهای کوچک، ۱۶ ضلعی به نظر می‌رسد (مصطفوی، ۲۹۱/۱). حرم در هر ضلع به وسیله دری به رواقهای مجاور گشوده می‌شود. درگاه اصلی حرم در شمال آن و رو به سوی ایوان بزرگ شمالی واقع است. اما تصور می‌رود که پیش از احداث صحن بزرگ و ایوان شمالی، مدخل اصلی حرم در سوی مشرق بوده است (هدایتی، ۲۷). دو مصراع (لنگه) در اصلی حرم زوین است و احادیثی از پیامبر (ص) و امام رضا (ع) و امام هادی (ع) بر آن نقش شده است. سطح دو لنگه در را برای محافظت خطوط و نقش و نگارهای آن و نیز دیوار آجری کهن کنار درگاه را از زمین به ارتفاع ۲ متر با حفاظی از شیشه پوشانیده‌اند. در جنوبی حرم که از چوب است و بسیار زیبا منتبت کاری شده و

اشعاری بر آن حک گشته، به راهرو جنوبی حرم در شرق امامزاده حمزه گشوده می‌شود. درب شرقی نیز به راهرو شرقی حرم، و در غربی به مسجد بالاسر راه می‌یابد.

گرداگرد دیوارهای درون حرم، از پایین با ازاره‌ای از سنگ مرمر سیاه و سفید به ارتفاع ۱/۶۵ متر پوشیده شده است. از بالای ازاره تا سقف و خود سقف به گونه زیبایی آینه‌کاری شده است. این آینه‌کاری در ۱۲۷۳ ق/۱۸۵۷ م به فرمان ناصرالدین شاه انجام یافته است (مصطفوی، ۱۶۱/۱). زیر سقف، فیل گوشهای زیبایی پوشیده از آینه دیده می‌شود. بر فراز این طاقها و گرداگرد حرم، بر کتیبه‌ای احادیثی نقش شده است.

ظاهراً دو بقعه امامزاده حمزه و حضرت عبدالعظیم در قدیم از یکدیگر جدا بوده است. در سده ۹ ق/۱۵ م همراه با ساختمانهای اطراف، این دو بقعه به صورت یک مجموعه درآمده است. این معنی از ۲ کتیبه چوبی مورخ ۸۴۸ ق/۱۴۴۴ م بر روی در منتبت کاری کهنی که پیش‌تر میان مسجد بالاسر و مقبره ناصرالدین شاه بوده و سپس آن را در دهانه راهروی که به شمال ایوان امامزاده حمزه منتهی می‌گردد کار گذارند، هویدا است (مصطفوی، ۳۷۳/۱، ۳۷۴). در دیوار جنوبی حرم به سمت غرب، به احتمال قوی محرابی بوده که مبدل به دالانی شده که اکنون به ایوان بقعه امامزاده حمزه مربوط شده است (پیرنیا، ۶).

ضریح: کهن‌ترین مأخذ در باب ضریح مرقد حضرت عبدالعظیم، فرمان مورخ ۹۵۰ ق/۱۵۴۳ م شاه طهماسب صفوی در باره متولی و موقوفات آستانه است. از فرمان یاد شده برمی‌آید که تا آن زمان بر گرد مزار، ضریحی نبوده است. طهماسب صفوی در این فرمان، برای جلوگیری از دست رساندن زائران به صندوق مزار، دستور داد که ضریحی چوبی بر گرد مزار نصب شود (هدایتی، ۷۹). چنین می‌نماید که این ضریح تا روزگار فتحعلی شاه بر جای بوده است زیرا هیچ اطلاعی در باب مرمت یا تغییر ضریح طهماسبی تا روزگار قاجار، به دست نیامده است. فتحعلی شاه قاجار آن ضریح را با ضریحی از نقره تعویض کرده است (میرخواند، ۱۰۶/۱). این ضریح در روزگار ناصرالدین شاه تعمیر شد (ایران‌شهر، ۱۳۳۲/۲؛ مصطفوی، ۱۵۱/۱). با اینهمه در ۱۳۲۸ ش به سبب لرزش سخت و سستی بن آن، پاره‌ای از بخشهای ضریح را تعویض کردند (همو، ۱۵۰/۱، ۱۵۱). و آن را بر پایه‌ای از سنگ مرمر به ارتفاع ۳۵ سانتی‌متر بر پای داشتند. اما بخش بالای ضریح شامل کتیبه‌ها و اشعار بر جای ماند. درازای ضریح ۳/۸۷ و پهنای آن ۲/۹۵ و ارتفاعش ۲/۴۰ متر است. در گرداگرد ضریح جمعاً ۱۴ دهانه مشبک دیده می‌شود. در پشت این دهانه‌ها به استثنای دهانه میانی جبهه شرقی ضریح که درب ورودی آن به شمار می‌رود، صفحات شیشه‌ای بزرگی برای جلوگیری از دست رساندن زائران به صندوق تعبیه کرده‌اند. بر حاشیه بالای ضریح و گرداگرد آن کتیبه‌ای است که سوره الرحمن به خط ثلث بر آن نقش شده و در زیر، بر کتیبه دیگری اشعاری به فارسی رقم خورده است. در این اشعار، نام فتحعلی شاه،

است. مهم‌ترین صحن و ایوان فعلی، صحن و ایوان بزرگ آستانه در شمال حرم است. این بنا در روزگار ناصرالدین شاه ساخته شد. ساختمان ایوان بزرگ آینه در این صحن که اکنون در دو سوی آن کفش‌کنها واقع است، به دستور میرزا ابراهیم‌خان امین‌السلطان آغاز شد و در زمان فرزندش میرزا علی‌اصغر خان در ۱۳۰۹ ق/ ۱۸۹۱ م به پایان رسید (مصطفوی، ۱۵۱/۱). این ایوان دارای ۱۰ ستون سنگی بلند و بسیار زیباست. ازاره ایوان از سنگ مرمر سیاه و سفید است. در بالای مدخل ایوان به سوی حرم، کتیبه‌ای بر کاشی نقش گشته که از نام بانی آن حکایت دارد. برخی حدس زده‌اند که سابقاً به جای رواق و ایوان شمالی، مسجدی بوده که بخش دنباله آستانه محسوب می‌شده است. کتیبه‌های ۲ جفت در منبت‌کاری که در خزانه است، نام جنت‌سرا را یاد می‌کند و این احتمال هست که مسجدی در بخش شمالی حرم به نام جنت‌سرا وجود داشته است (همو، ۱۵۷/۱). در سالهای اخیر این صحن سنگفرش شد و آینه‌کاری ایوان آن تجدید گشت. در شرق صحن بزرگ، بنای امامزاده طاهر جای دارد. ایوان جنوبی حرم در ۹۴۴ ق/ ۱۵۳۷ م به فرمان شاه طهماسب اول ساخته شد (ایران‌شهر، ۱۳۳۱/۲؛ هدایتی، ۲۶) و در ۱۲۷۰ ق/ ۱۸۵۴ م به فرمان ناصرالدین شاه توسط میرزا آقاخان نوری آینه‌کاری و تزیین شد (کریمان، ۳۹۱/۱). صحنهای دیگر آستانه در گرداگرد حرم عبارتند از: ۱. صحن باغ طوطی یا مدرسه امین‌السلطان در شمال غربی حرم؛ ۲. صحن ناصرالدین شاه، یا صحن ولیعهدی که اکنون به صحن کاشانی معروف است، در غرب حرم؛ ۳. صحن باغ علی جان در شرق حرم؛ ۴. صحن جنوبی که به صحن امامزاده حمزه معروف است.

۴. رواقها و مسجدها: مسجد و رواق بالاسر، در غرب حرم، از ساخته‌های روزگار صفویان، محوطه‌ای بزرگ است که به وسیله راهرو و پنجره‌هایی در غرب آن به صحن ناصرالدین شاه مربوط می‌شود. ازاره این مسجد از سنگ مرمر سیاه و سفید است. از بالای ازاره تا سقف و خود سقف آینه‌کاری است. این رواق دارای محرابی بسیار زیبا از کاشیهای معرق رنگارنگ است که بر روی آنها و گرداگرد محراب آیات قرآنی نقش شده است.

میان مسجد بالاسر و حرم عبدالعظیم از سوی شرق، دری زیبا و منبت‌کاری است که به شهادت کتیبه روی آن، در ۱۲۷۱ ق/ ۱۸۵۵ م به دستور اعتمادالدوله و توسط میرزا محمد حسین شیرازی ساخته شده است. بر بالای این در، پنجره‌های مشبک واقع است که گرداگرد آن مانند سایر بخشهای دیوار رواق آینه‌کاری است.

در جنوب مسجد بالاسر رواق دیگری است که از جنوب به حرم امامزاده حمزه و از شرق به حرم عبدالعظیم می‌پیوندد. این رواق نیز دارای ازاره‌ای از سنگ مرمر سیاه و سفید و از بالای آن تا سقف و خود سقف آینه‌کاری است (مشاهدات نگارنده).

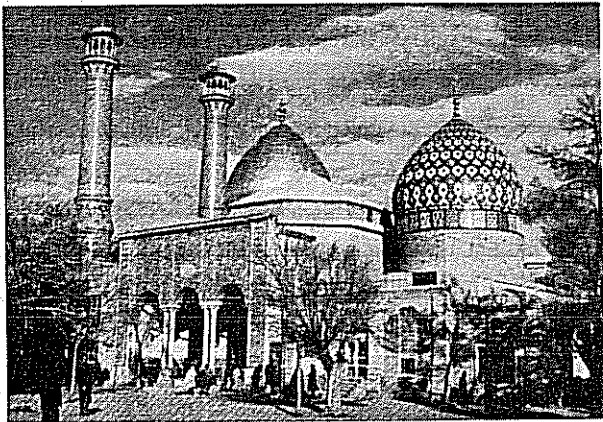
در شرق حرم عبدالعظیم، مسجد زنانه یا پایین‌با، از ساخته‌های روزگار صفویان (مصطفوی، ۲۹۳/۱)، واقع است که پیش از احداث

بانی ضریح نقره و امین‌السلطان، مجری تعمیر آن در روزگار ناصرالدین شاه خوانده می‌شود. بر فراز و گرداگرد ضریح، جمعاً ۶۴ گلدان زرین زیبا - در هر طول ۲۰ عدد و در هر عرض ۱۲ عدد - و افزون بر این، در ۴ گوشه ضریح، ۴ گلدان زرین بزرگتر نصب شده است.

صندوق مزار: یکی از نفیس‌ترین آثار تاریخی آستانه عبدالعظیم، صندوق چوبی روی مزار است که در ۴ سوی آن، زیارت‌نامه و آیات قرآنی به خط نسخ و ثلث برجسته، توسط یحیی بن محمد اصفهانی (مصطفوی، ۱۴۹/۱) حکاکی شده است و تاریخ ۷۲۵ ق/ ۱۳۲۵ م بر روی آن قابل خواندن است. این صندوق به تصریح کتیبه روی آن، به دستور خواجه نجم‌الدین محمد، مقارن روزگار ابوسعید ایلخان مغول ساخته شده است. به تصریح کتیبه مذکور، بنای مرقد نیز از هموست (هدایتی، ۲۳). اما خواجه‌نجم‌الدین می‌بایست مرقد را تعمیر کرده باشد، زیرا چنان که اشاره شد، تجدید بنای اصلی حرم در روزگار سلجوقیان و به فرمان مجدالملک انجام یافت. صندوق یاد شده که در اثر مرور زمان فرسوده شده بود، در ۱۳۲۹ ش توسط حاج محمد صنیع خاتم، هنرمند مشهور عصر، به گونه زیبایی مرمت شد (مصطفوی، ۱۵۰/۱؛ هدایتی، ۲۴) و اکنون به درازای ۲/۵۸ و پهنای یک و ارتفاع ۱/۲۰ متر بر جای است.

۲. گنبدو گلدسته‌ها: گنبد زراندود حضرت عبدالعظیم، خود از جمله آثار کهن آستانه است. این گنبد نیز نخستین بار توسط مجدالملک براوستانی، آنگاه که بقعه را تجدید بنا می‌کرد، ساخته شد. گنبد مانند دیگر گنبدهای بقاع متبرکه درجه اول دارای ۲ جدار است. پوشش درونی، شامل طاق ضربی مدور و پوشش بیرونی مخروطی شکل بود که در روزگار شاه طهماسب تغییر شکل یافت (مصطفوی، ۲۹۱/۱) و در ۱۲۷۰ ق/ ۱۸۵۴ به فرمان ناصرالدین شاه طلاکاری شد (کریمان، ۳۹۱/۱). ارتفاع گنبد از رأس تا سطح بام به صورت عمودی حدود ۱۲ متر و به صورت محذب حدود ۱۸ متر است. بر گرداگرد گنبد، ۲ ردیف کتیبه نصب شده است. بر کتیبه‌های بالایی، اشعاری با خطوط زرین بر متن لاجوردی رنگ حاکی از طلاکاری گنبد به فرمان ناصرالدین شاه است. بر کتیبه زیرین که عریض‌تر از کتیبه بالایی است، آیه «انا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» نقش بسته است. پوشش درونی گنبد، همراه با دیوارهای حرم آینه‌کاری شده است. گلدسته‌های حرم برخلاف گنبد، از آثار نیمه دوم سده ۱۳ ق/ ۱۹ م است و به فرمان ناصرالدین شاه، همراه با طلاکاری گنبد، بنا گشت (مصطفوی، ۱۶۱/۱). ارتفاع مناره‌ها از رأس تا سطح بام حدود ۲۴ متر و قطر میله گلدسته‌ها یا بخش استوانه‌ای آن ۲ متر است. از هر مناره به وسیله ۲ بلکان داخلی به بالای آن می‌توان رفت. این مناره‌ها بر پایه‌های مربع شکل آجری به درازای هر ضلع ۴/۲۰ متر استوار شده است.

۳. صحنها و ایوانها: در اطراف حرم، صحنها و ایوانهایی است که پیش‌تر در روزگار صفویان و قاجاریان ساخته یا تعمیر و تزیین شده



آستانه حضرت عبدالعظیم

صحن و ایوان شمالی، مدخل اصلی حرم بود، ولی سپس آن مدخل را مسدود و دهلیز آن را به مسجد زنانه تبدیل کردند (هدایتی، ۲۷۲). همان سان که اشاره شد، از کتیبه‌های درهای مثبت کاری که اکنون در خزانه آستانه است، می‌تواند حدس زد که مسجدی به نام مسجد جنت سرا در بخش شمالی حرم بوده است (مصطفوی، ۱۵۷/۱؛ هدایتی، ۲۷). دور نیست که آن مسجد، همان رواق کوچکی باشد که اکنون میان ایوان بزرگ شمالی و حرم عبدالعظیم واقع است. این رواق از سوی جنوب به وسیله ۲ در زرین بزرگ به حرم می‌پیوندد. ازاره رواق از کاشی معرق و رنگارنگ است و از بالای آن تا سقف و همه سقف آینه کاری است. میان این رواق و مسجد زنانه یا مسجد پایین با در شرق حرم، در بزرگ چوبی زیبایی جای دارد که کتیبه‌ای حاوی آیات قرآن مجید بر حاشیه آن حکاکی شده و بر بالای آن تاریخ ۹۰۴ ق/ ۱۴۹۹ م - روزگار تیموریان - قابل مشاهده است.

۵. امامزاده‌ها: الف - بقعه امامزاده حمزه (ه م)، فرزند امام موسی کاظم (ع)، از بقاع متبرکه معروف و در طرف جنوب غربی حرم عبدالعظیم واقع است. امامزاده حمزه از ۴ سوی به بیوتات اطراف می‌پیوندد. در شمالی به رواق میان مسجد بالاسر و حرم امامزاده حمزه، در جنوبی به مسجد زنانه و در شرقی به راهرو جنوبی حرم عبدالعظیم متصل است. در غربی را اکنون با دیوار مسدود ساخته‌اند؛ ب - بقعه امامزاده طاهر (ه م) از فرزندان امام زین العابدین (ع)، نیز از بقاع متبرکه جنب آستانه عبدالعظیم و در سوی شرقی صحن بزرگ، میان این صحن و باغ علی جان واقع است.

۶. موزه و خزانه: چنان که اشاره شد، حرم حضرت عبدالعظیم از دیرباز مورد توجه بوده است و از همان روزگاری که نخستین بنای بقعه پی افکنده شد، به تدریج آثاری در اطراف حرم پدید آمده و اشیایی از سوی امیران و وزیران و مردم به حرم اهدا شده که هر یک نسبت به قدمت و نفاست خود از جمله ارزشمندترین آثار هنری اسلامی به شمار می‌روند. پاره‌ای از این آثار برای جلوگیری از فرسودگی و ویرانی، در تعمیرات متعدد آستانه، به خزانه منتقل گشته، و برخی هم مانند کاشیهای و رگ‌چینه‌های آجری اطراف حرم، در جای خود با پوششهای شیشه‌ای محافظت شده‌اند. کهن‌ترین خیر مستند در باب خزانه آستانه عبدالعظیم را در فرمان مورخ ۹۵۰ ق/ ۱۵۴۳ م شاه طهماسب صفوی می‌توان یافت که وی طی آن دستور داده در میان منازل اطراف آستانه، محلی مناسب برای خزانه جدید بیابند (هدایتی، ۷۹). از این فرمان آشکارا برمی‌آید که پیش از آن هم در آستانه عبدالعظیم محلی برای خزانه بوده که لابد اشیای نفیس و هدایای زایران و احياناً نقدینه‌ها را در آنجا نگاه می‌داشته‌اند. در سالهای اخیر نیز تعدادی از آثار نفیس آستانه را به خزانه منتقل ساخته‌اند که از آن میان می‌توان به اشیاء زیر اشاره کرد:

روزگار سلجوقیان باشد. با آنکه بر روی کتیبه‌ها تاریخ ۹۴۵ ق/ ۱۵۳۸ م دوره سلطنت شاه طهماسب اول صفوی دیده می‌شود، به عقیده کارشناسان این خط کوفی مربوط به خطوط دوره سلاجقه (سده ۵ و ۶ ق/ ۱۱ و ۱۲ م) است و حتی نمی‌تواند مربوط به سده ۷ ق/ ۱۳ م باشد چه رسد به سده‌های ۹ و ۱۰ ق/ ۱۵ و ۱۶ م (مصطفوی، ۱۵۴/۱، ۱۵۵). اگر قدمت این کتیبه‌ها به ثبوت رسد، می‌توان حدس زد که این ۲ کتیبه بر درهایی مربوط به روزگار سلاجقه نصب بوده و در روزگار صفویه آن درها را به سبب فرسودگی تعویض یا مرمت و همان کتیبه‌های قدیم را با تغییراتی بر درهای جدید نصب کرده‌اند. این ۲ در بعدها در انتهای معبر جنوب غربی امامزاده حمزه نصب شده است (همانجا) و سپس به سبب نفاست، آنها را به خزانه منتقل ساخته‌اند.

ب - دودر مثبت کاری بسیار کهن و زیبا به ابعاد ۱/۷۷ و ۰/۹۴ متر مربوط به روزگار شاه اسماعیل اول صفوی که اشعاری به خط ثلث برجسته بر آن نقش بسته است (هدایتی، ۲۶، ۲۷). از این اشعار تاریخ ۹۱۸ ق/ ۱۵۱۲ م به دست می‌آید که مربوط به روزگار حکومت شاه اسماعیل اول صفوی است. حدس زده‌اند که این درها پیش از احداث صحن بزرگ و ایوان شمالی، مدخل اصلی حرم از سوی مشرق، یعنی مسجد زنانه فعلی بوده است (مصطفوی، ۱۵۶/۱، ۱۵۷).

ج - یک در مثبت کاری نفیس که مدتها پیش آن را از گوشه جنوب شرقی مسجد بالاسر حرم برداشتند و در شمال ایوان امامزاده حمزه نصب کردند و سپس به خزانه آستانه منتقل ساختند.

گفته‌اند که این در قبلاً در مسجد هولاکو که بعداً به آرامگاه ناصرالدین شاه تبدیل شد جای داشته است. بر روی این در ۲ کتیبه به خط ثلث برجسته هست که می‌گویند بر روی دری کهن تر بوده و پس از تعویض آن، کتیبه‌های مذکور را بر روی در جدید نصب کرده‌اند. بر این کتیبه‌ها تاریخ ۸۴۸ ق/ ۱۴۴۴ م دیده می‌شود. از این رو این کتیبه‌ها و احتمالاً در اصلی، از ساخته‌های روزگار شاهرخ تیموری است (مصطفوی، ۱۵۶/۱).

د - یک پنجره از کاشی مشبک بسیار نفیس به ابعاد ۱/۵۸ و ۱/۵۶

الف - دودر آهنی با کتیبه‌هایی به خط کوفی به ابعاد ۷۰ و ۱۲۰ سانتی‌متر که به نظر می‌رسد از جمله کهن‌ترین آثار این بنا و متعلق به

خود بوده‌اند. ولی برای جلوگیری از تصرفات نامشروع و هماهنگ کردن امور مربوط به موقوفات، از روزگاران گذشته چنین مرسوم شده که تولیت واحدی با تأیید سلطان وقت تعیین گردد که کارگزاران دولت نیز در امور مربوط به آن از دستورهای او پیروی کنند.

درباره متولیان آستانه عبدالعظیم پیش از روزگار صفویه، سندی مکتوب دیده نشده است. کهن‌ترین اثری که در این باب به دست آمده، فرمان شاه طهماسب صفوی است که طی آن تولیت مزرعه‌ای به نام مبارک‌آباد در خوارری را که طغرل سلجوقی وقف آستانه کرده بود، به سید شرف‌الدین واگذاشته است (هدایتی، ۹۰). از روی فرمانهای دولتی که از عهد صفویه تاکنون به جای مانده است میتوان سلسله متولیان آستانه را که نوادگان آنها تا چند سال پیش عهده‌دار تولیت این آستانه بودند، شناخت. در روزگار شاه طهماسب، میرزا حبیب‌الله، فرزند بزرگ میرسید حسین خاتم‌المجتهدین و نواده دختری محقق ثانی، به تولیت آستانه گمارده شد. سپس جای او را میرزا ابراهیم شیخ‌الاسلام نواده خاتم‌المجتهدین گرفت و تولیت آستانه در خانواده او ادامه یافت (ایران‌شهر، ۱۳۳۷/۲). در ۱۳۳۰ ق/ ۱۹۱۲ م چندی پس از تشکیل وزارت معارف و اوقاف، تولیت میرزا هدایت‌الله از همان سلسله، از سوی کسانی که مأمور نظارت و رسیدگی به موقوفات آستانه شده بودند، تأیید شد (همانجا) و فرزندان او نیز تا چند سال پیش اداره آستانه را به عهده داشتند. نام این متولیان در فرامین شاهان صفوی و کتاب تحفه سامی اثر سام میرزا فرزند شاه اسماعیل صفوی آمده است. از شاه عباس و شاه طهماسب دوم و اشرف افغان و کریم‌خان زند و شاهان قاجار نیز فرامینی درباره تولیت در دست است.

بخش سوم - موقوفات:

همگام با افزایش اهمیت و توسعه آستانه حضرت عبدالعظیم، از دیرباز کسانی مزارع و املاک و رقبات و اشیائی، غالباً با تعیین مورد مصرف آنها، وقف آستانه کرده‌اند و فرمانهایی نیز از سوی حاکمان وقت درباره موقوفات صادر شده که هم اکنون پاره‌ای از آنها در دست است. کهن‌ترین خبری که درباره اوقاف آستانه دیده شد، روایت قزوینی رازی (ص ۲۲۰) است که می‌گوید مجدالملک براوستانی اوقافی برای حضرت عبدالعظیم مقرر داشته است. کهن‌ترین فرمان دولتی در این باره، فرمان مورخ ۹۶۰ ق/ ۱۵۵۲ م شاه طهماسب است که صورت موقوفات غیرمنقول آستانه با مشخصات کامل در آن ذکر شده است.

براساس این فرمان، ۱۶ رقبه مزرعه و باغچه در ری و شمیران و شهریار، از جمله املاک وقفی آستانه بوده که امروزه ۵ رقبه از آن باقی و در تصرف آستانه است (ایران‌شهر، ۱۳۳۵/۲) و بقیه در طی روزگار به علت نابسامانیهای سیاسی و سوء اداره آستانه، توسط کسانی تصرف شده است و کهن‌ترین رقبه وقفی مشخص، مزرعه مبارک‌آباد معروف به خیرآباد واقع در ناحیه خوارشهری بوده که طغرل سلجوقی وقف آستانه کرده است (هدایتی، ۹۰). «فرمان شاه طهماسب» به

متر، مرکب از ۱۲ خشت کاشی. این پنجره بر فراز در میانی ایوان بزرگ شمالی نصب بوده و به استناد کتیبه‌ای که مربوط به آخرین آینه‌کاری عصر قاجار در ایوان مذکور است، در عهد ناصرالدین شاه به دستور امین‌السلطان در ۱۳۰۹ ق/ ۱۸۹۱ م ساخته شده است (همو، ۱۶۰/۱).

۵ - چیزهایی از قبیل پرده‌های بسیار نفیس، قرآنهاى خطی، فرشهای متعدد، شمعدانهای قدیمی و پرارزش و تابلوهای نقاشی و روبوش زری و کهن صندوق مزار مربوط به روزگار صفویه.

هم اکنون برای گردآوری و طبقه‌بندی این اشیاء نفیس به گونه‌ای که در معرض بازدید علاقه‌مندان قرار گیرد، ساختمانی ویژه موزه آستانه در غرب صحن ناصرالدین شاه در دست ساختمان است. در غربی این موزه متشکل از سردر کاشی بسیار کهن و زیبای حرم است که قبلاً برای جلوگیری از فرسودگی و انهدام به خزانه منتقل گشته بود. با آغاز بنای موزه، این سردر و کتیبه‌های بسیار کهن و زیبای آن توسط استادان فن، در غرب موزه نصب شده است.

۷. کتابخانه: همراه با اشیای گرانبهایی که در طی روزگار به آستانه حضرت عبدالعظیم اهدا یا وقف شده، کتابها و قرآنهاى خطی نفیسی هم بوده است، چنانکه شاه عباس صفوی در ۱۰۳۷ ق/ ۱۶۲۷ م تعداد ۱۱۹ جلد کتاب وقف آستانه کرده که ۳ جلد از آنها هنوز باقی است (کتابخانه مرکزی، ۶۴/۳).

لا بد کتابخانه‌ای در آستانه بوده است که میرزا محمد تقی نوری در حدود ۱۲۳۰ ق/ ۱۸۱۴ م از آن استفاده کرده است. اما از محل و چگونگی آن اطلاعی در دست نیست. کتابخانه معتبر و مفصلی که گفته‌اند در محل فعلی کفش کن ایوان بزرگ بوده (مصطفوی، ۱۵۸/۱)، ظاهراً می‌بایست مربوط به روزگار قاجار باشد که طی آن ابنیه و بیوتات آستانه توسعه یافته است. در ۱۳۲۴ ش کتابخانه‌ای در شرق امامزاده حمزه تأسیس شده که تا ۱۳۳۹ ش دایر بوده است. در اردیبهشت آن سال در جنوب امامزاده حمزه، کتابخانه‌ای در ۲ طبقه ساخته شده که تاکنون نیز برجای است. کهن‌ترین قرآن خطی آستانه که در فهرست راهنمای گنجینه قرآن موزه ایران باستان ثبت شده، قرآنی است بسیار نفیس به خط نسخ و ثلث که در ۹۴۰ ق/ ۱۵۳۳ م به روزگار شاه طهماسب اول نگاشته شده است (هدایتی، ۲۸؛ مصطفوی، ۱۵۹/۱). نیز مجموعه اسناد و فرامین و وقفنامه‌های آستانه که به همت احمد هدایتی گردآوری شده، در کتابخانه نگاهداری می‌شود. کهن‌ترین سند رسمی، فرمان شاه طهماسب درباره اوقاف و تولیت آستانه عبدالعظیم است. کتابخانه آستانه هم اکنون نزدیک به ۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی دارد.

بخش دوم - تولیت

تولیت بقاع متبرکه و املاک و رقبات وابسته به آنها، اساساً بر طبق شرع، وابسته به نظر واقف است و از همین روی متولیان مختلف از سوی واقفان املاک و رقبات عهده‌دار اداره امور مربوط به تولیت

جز فرمان شاه طهماسب، فرامین دیگری از سلاطین صفویه و زندیه و قاجاریه در دست است. موقوفات آستانه شامل زمینهای کشاورزی، روستا، قنات آب، ساختمان و اشیای گوناگون است (برای سایر موقوفات، نک کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، فهرست میکروفیلمها، ۱۰/۱ - ۱۲).

ماخذ: ابن اسفندیار، محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، به کوشش عباس اقبال، تهران، کلاله خاور، ۱۳۲۰، ص ۱۲۰؛ اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۲۷، ص ۱۷۰؛ اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، مرآت البلدان، به کوشش برتو نوری علاء و محمد علی سپانلو، تهران، اسفار، ۱۳۶۴، ص ۵۱۲/۱؛ ایرانشهر (ذیل اوقاف)، ۱۳۳۱/۲ - ۱۳۳۲؛ بهبهانی، محمد باقر، تعلیقات علی منهج المقال، تهران، ۱۳۰۶، ص ۱۹۶؛ بیرنیا، محمد کریم، «درگاه و کتیبه آستانه حضرت عبدالعظیم»، مجله باستانشناسی و هنر ایران، س ۲، شم ۲ (بهار ۱۳۴۸)، صص ۴ - ۶؛ جواهر کلام، عبدالعزیز، تاریخ تهران، تهران، منوچهری، ۱۳۵۷، صص ۱۸، ۳۰؛ حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، تهران، ۱۳۱۰، ص ۶۲؛ شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸/۲، ۳۲۲، ۳۲۱/۱ (۱)؛ عطاردی قوجانی، عزیزالله، عبدالعظیم محمد شفیع، لاهور، ۱۳۶۵، ق ۱۱۲/۱ (۱)؛ ۳۲۲، ۳۲۱/۱ (۱)؛ عزیزالله، عبدالعظیم الاحسنی حیاته و مسنده، تهران، ۱۳۴۳، صص ۲۹۵، ۲۹۶؛ فصیحی خوانی، احمد بن محمد، مجمل، به کوشش محمود فرخ، مشهد، باستان، ۱۳۳۹، ص ۲۶۴/۳؛ قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقص، به کوشش جلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، صص ۲۲۰، ۵۷۷؛ کاشفی، ملاحسین واعظ، روضه الشهداء، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیة، ۱۳۴۹، صص ۲۵۳، ۲۰۱؛ کتابخانه مرکزی، فهرست خطی، ۶۴/۳؛ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، فهرست میکروفیلمها، ۱۰/۱ - ۱۲؛ کجوری، محمد باقر، جنة النعم، تهران، ۱۲۹۶، صص ۲۲۲، ۲۵۰؛ کربلایی تبریزی، حافظ حسین، روضات الجنات، به کوشش جعفر سلطان قرایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، ص ۶۶۰/۲؛ حاشیه؛ کرمان، حسین، ری باستان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۵، ص ۱، ۲؛ جم؛ مرغشی، محمد باقر، الروائح السماویة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵، ق ۵۰؛ مستوفی، حمداالله، تزهة القلوب، به کوشش گای لسترینج، لیدن، ۱۳۳۱، ق ۵۲؛ مصطفوی، محمد تقی، آثار تاریخی تهران، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۶؛ جم؛ نجاشی، احمد، رجال، بمبئی، ۱۳۱۷، ق ۱۷۳؛ نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۲، ق ۶۱۴/۳؛ هدایت، رضا قلیخان، روضه الصفا ناصری، تهران، خیام، ۱۳۳۹، ص ۱۰۶/۱، ۸۱۱؛ هدایتی، محمدعلی، آستانه ری، مجموعه اسناد و فرامین، تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۳۲؛ جم؛ نیز: تحقیقات محلی نگارنده مقاله، زمستان ۱۳۴۵، ص ۱۳۴.

آستانه حضرت معصومه، حرم حضرت فاطمه معصومه (ع) و ساختمانها و موقوفات و تشکیلات اداری وابسته به آن که بیشتر آنها در شهر قم واقع است.

زمینه تاریخی: فاطمه (ع)، (۱۰/۱ - ۲۰/۱ ق ۸۱۶ م) دختر امام موسی کاظم (ع) (۱۲۸ - ۱۸۳ ق/ ۷۴۵ - ۷۹۹ م) است. در باب علت و تاریخ شهرت وی به «معصومه» اظهار نظر قطعی دشوار است. براساس فرمانی از جهانشاه قره قویونلو (سده ۹ ق/ ۱۵ م) فقط می توان حدس زد که از همین روزگاران به این نام مشهور شده است. وی در ۲۰/۱ ق/ ۸۱۶ م، یک سال پس از ورود امام رضا (ع) به مرو، عزم خراسان کرد و چون به ساوه رسید بیمار شد. موسی بن خزرج اشعری از اشعریان مقیم قم به ساوه رفت و وی را به قم آورد و در سرای خویش منزل داد. مطابق روایتی دیگر، خود فاطمه (ع) از خادم خواست که او را به قم

برد. بیماری او ۱۷ روز ادامه یافت و به فوت انجامید. جنازه اش را در محلی موسوم به باغ بابلان که اکنون روضه اوست به خاک سپردند. درباره عمر فاطمه (ع) به هنگام وفات، روایات گوناگون است. برخی او را ۱۸ ساله، و بعضی بیش از این دانسته اند، اما با توجه به اینکه پدر وی امام موسی کاظم (ع) در ۱۷۹ ق/ ۷۹۵ م به دستور هارون الرشید گرفتار و زندانی شد و ۴ سال در زندان ماند و همانجا وفات یافت و وفات فاطمه نیز در ۲۰/۱ ق/ ۸۱۶ م رخ نمود، وی لااقل می بایست در ۲۱ یا ۲۲ سالگی وفات کرده باشد. براساس روایتی دیگر فاطمه (ع) مسموم شد، ولی این روایت ضعیف است و مورخان معتبر، از آن میان، حسن بن محمد حسن قمی از آن یاد نکرده اند.

بابلان، مدفن حضرت معصومه باغی بود از آن موسی اشعری در بیرون شهر قم. حسن قمی از آن به «مقبره بابلان» تعبیر کرده است، زیرا موسی بن خزرج آن باغ را پس از دفن حضرت معصومه، برای گورستان عمومی وقف کرد و منزلی را که معصومه در آن چندی زیست به مسجد اختصاص داد. این منزل نیز بیرون شهر قم بود و اینک معروف به سرای سینه، همراه با «بیت التور» که محل عبادت وی بود، معمور و مزار مردم است. نخستین بار میرابوالفضل عراقی مسجدی در کنار آن ساخت و از این رو، محوطه وسیع اطراف آن به میدان میر مشهور شد.

باغ بابلان در کنار رودخانه و بیرون شهر قم بود. مسلم است که این باغ حتی در سده های ۷ و ۸ ق نیز خارج از قم بوده، زیرا قاضی احمد قمی از شمس الدین صاحب دیوان یاد می کند که «متوجه شهر قم شد و چون به آنجا رسید، در مشهد شریف که بیرون شهر است فرود آمد». همچنین به موجب یک وقف نامه از روزگار صفویان، حرم بیرون از باروی قم بوده است. در ایامی که شاردن از قم دیدار می کرده، دیوار پهن و ستبری از آجر میان ساختمان حرم و رودخانه کشیده شده بوده که به هنگام طغیان رودخانه، به حرم آسیبی وارد نیاید. بنابراین در آن روزگار نیز حرم با رودخانه فاصله چندانی نداشته است، گرچه امروز این فاصله به چندصدمتر می رسد، اما این عقب نشینی را نمی توان طبیعی دانست بلکه به گمان قوی مسیر رودخانه را بعداً کمی تغییر داده اند تا حرم از آسیب احتمالی مصون بماند.

بخش یکم - ساختمانها

پس از فوت معصومه و دفن او در باغ بابلان، روضه وی در طی تاریخ دستخوش دگرگونیهای بسیار شد و به تدریج بر وسعت و شکوه حرم و بناهای مجاور آن افزوده گشت تا اینکه این روضه به شکوه مندترین و معروف ترین زیارتگاههای ایران پس از آستان قدس رضوی تبدیل شد. در زیر به شرح تحولات تاریخی ساختمانهای آستانه می پردازیم:

۱. حرم: این بنا شامل ساختمان درونی آرامگاه، مرقد مطهر و ضریح اطراف مرقد است.
- آغاز بنای حرم و تحولات آن: پس از دفن معصومه، اشعریان ساییانی